

نگاهی کوتاه به شاعران بزرگ ایرانی *

دکتر اسیماکوپولوس **

قبل از بحث درباره ادبیات و شعر ایران لازم است مختصری به تاریخ این کشور بنگریم. در ایران باستان دو سلسله ماد و هخامنشی دارای قدرت فراوانی بودند و در نهایت هخامنشیان پس از استیلا بر دیگر قبایل، کنترل تمام کشورها را به صورت واحد در دست گرفتند و سپس به فکر کشورگشایی افتادند. هخامنشیان ابتدا کشورهای همسایه خود را تصرف کرده و دامنه امپراطوری خود را توسعه دادند و با یک هماهنگی و برنامه ریزی دقیق به سوی هند و دیگر کشورهای قدرتمند آسیا و سپس به اروپا لشکرکشی کردند و بر وسعت امپراطوری خود افزودند.

با توسعه دامنه امپراطوری ایران، طبیعتاً زبان فارسی قدیم نیز توسعه یافت و خیلی از کشورها با این زبان آشنا شده و به فارسی تکلم کردند. با حمله اعراب به ایران و تصرف این کشور، فرهنگ آنان وارد ایران شد و سیستم مدون مدیریتی امپراطوری منظم و قدرتمند ایران به هم ریخت و اعراب، حاکمان این کشور گردیدند و به جای سیستم امپراطوری یا پادشاهی، نظام خلیفه گری را حاکم کردند.

مذهب اسلام جای مذهب باستانی ایران یعنی آیین زرتشت را گرفت و تاریخ، گویای این است که ملت ایران نه تنها از نظر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، بلکه از نظر مذهبی نیز کاملاً دگرگون گشت و فرهنگ کهن آن نیز تحت تأثیر فرهنگ عربی - اسلامی قرار گرفت.

فرهنگ عربی - اسلامی بر شاعران ایرانی دوران بعد از اسلام - به استثنای فردوسی - تأثیر زیادی گذاشت و به همین دلیل اشعار شاعران رنگ و بوی اشعار باستانی و ملی را نداشت.

هنگامی که در مورد اشعار شاعران ایرانی دوران بعد از اسلام صحبت می‌کنیم، در واقع دربارهٔ شاعران کلاسیکی که به روش اسلامی - عربی شعر گفته‌اند و اشعار آنان در قالب قصیده و غزل می‌باشد، سخن می‌گوییم؛ زیرا این قالب‌ها همگی ریشهٔ عربی دارند. عمدهٔ اشعار آنان در مورد مسائل مذهبی و معنوی است و لذات دنیوی در آنها به صورت نمادین مطرح شده است که از آن جمله می‌توان به اشعار حافظ، سعدی شیرازی، عمر خیام و عطار اشاره کرد.

سعدی گرچه اشعارش بیشتر رنگ و بوی مذهبی دارد، ولی دلنگی خود را در مورد وطن و شهر خود نیز پنهان نکرده و مکرراً اعلام داشته، به نوعی که می‌توان او را ملی‌گرایی نامید که از ابراز مستقیم تمایلات خود ترس داشته است. در شعر شاعران ایرانی معمولاً قافیه وجود دارد و این اشعار معمولاً دارای یک نوع فعل زمانی هستند که در امتداد یک شعر، یک نواختی خود را حفظ می‌کنند و آن را ردیف می‌نامند.

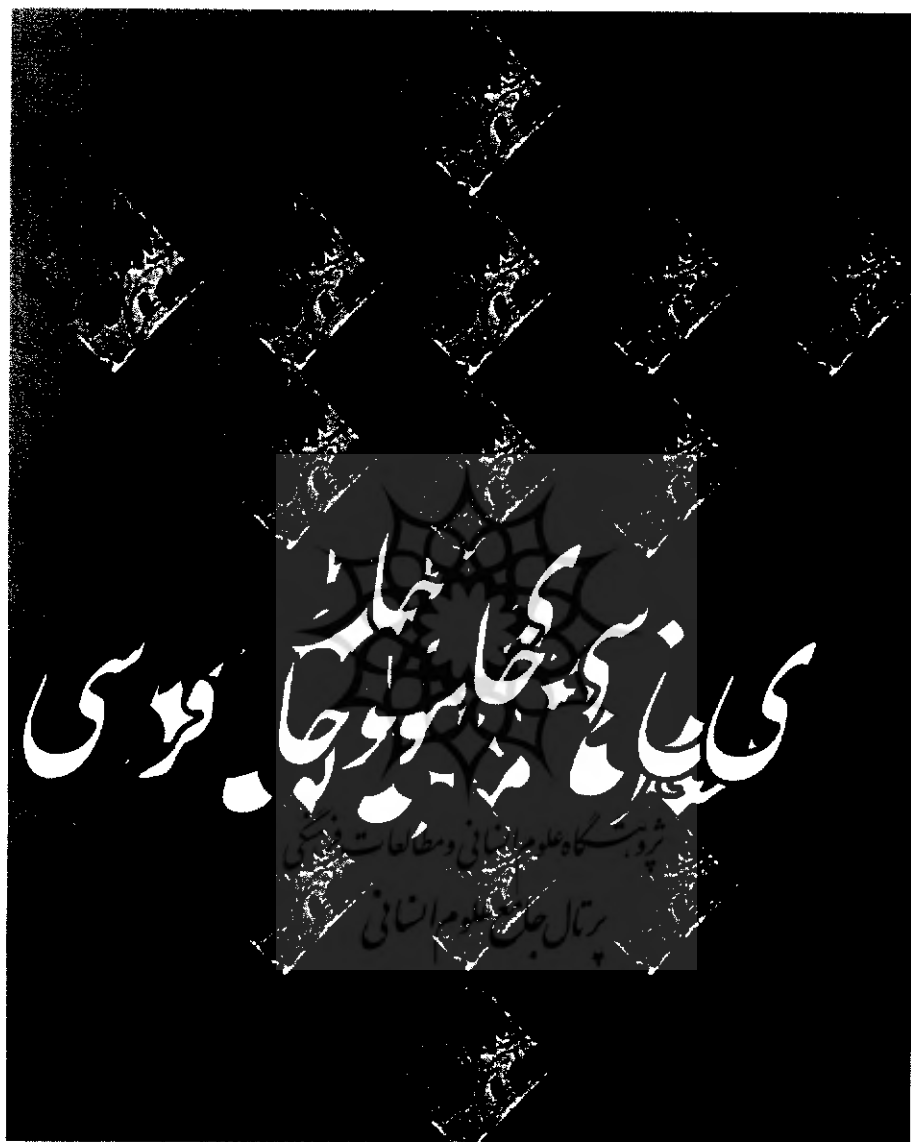
شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شاعران کلاسیک ایرانی:

رودکی یکی از شاعران بزرگ ایران است که قبل از شیوع فرهنگ اعراب، اشعار ایرانی اصیل سروده و می‌توان گفت، قبل از فردوسی، وی آخرین شاعری است که در این راستا گام برداشته است.

یکی دیگر از شاعران بنام و حماسه سرای ایران، فردوسی است. وی از طریق سرودن اشعار اصیل فارسی، به قیام علیه فارسی‌زدایی پرداخت. او توانست طی ۳۰ سال تلاش بی‌وقفه، یکی از بزرگ‌ترین آثار زبان فارسی را با هدف حفظ این زبان و جلوگیری از نابودی تدریجی آن بسراید. اثر وی، شاهنامه نام دارد که به معنی کتاب شاهان است و این شاعر نامی، به علت توجه به فرهنگ ایرانی و زحماتی که برای حفظ

آن متحمل شده است، در میان ایرانیان، بسیار معروف و محبوب است. جایگاه وی برای ایرانیان همانند جایگاهی است که هومر برای یونانی‌ها دارد. اشعار حماسی وی شباهت‌های زیادی به اشعار هومر دارد. برای مثال وی در یکی از اشعار خود آورده



است: وقتی پادشاه ایران در حال مرگ بود، از اسکندر خواست که با دخترش ازدواج کند تا دخترش در منزل فردی قدرتمند زندگی نماید و هومر هم شعری با این مضمون دارد که هنگامی که دشمنی بر پادشاهی پیروز می‌شود، آن پادشاه از او می‌خواهد که

وی را در قبرستان بزرگان دفن نمایند.

رباعی که یک نوع شعر چهار مصرعی است، علاوه بر محبوبیت خاص خود در ایران، سبک شعر اروپایی را هم تحت تأثیر خود قرار داده است و تعدادی از شاعران اروپایی نیز در این قالب شعر سروده‌اند.

سعدی متولد شیراز است. شهری، در جنوب غربی ایران، پر از گل‌های متنوع و به خصوص گل رز. شاعر این شهر نیز با وصف زیبایی‌های آن در صدد توصیف قدرت خلاقیت خداوند بر آمده است. این شاعر در اشعار گوناگون خود علاقه‌اش را به



شیراز با یک نوع گرایش ملی‌گرایانه ابراز داشته است. این شاعر، در اشعار خود مکرراً لذات دنیوی را ستوده که این امر خلاف محدودیت‌هایی است که اسلام برای لذات نامشروع دنیوی قایل است. پدر سعدی در دربار پادشاهان ایران خدمت می‌کرده و پس از این که این کشور به تصرف مغول‌ها درآمد، ایران را ترک و به یونان سفر نمود، ولی رفتار و کردارش همواره نشانگر این بود که بسیار دلتنگ وطن است و اسارت در وطن را بر آزادی در غربت ترجیح می‌داده است.

من در سفر خود به ایران به شهر شیراز رفتم و از مقبره شاعران بزرگ این کشور در این شهر دیدن کردم. دختران و پسران جوانی که تازه ازدواج کرده بودند و حتی افراد مسنی را می‌دیدم که با احترام خاصی در مقابل مقبره این شاعر می‌ایستادند، گویا با آنان حرف می‌زدند و درد دل می‌کردند و حاجتی را از آنان طلب می‌نمودند. شاعران این شهر از جمله حافظ و سعدی دارای احترام خاصی نزد ملت ایران می‌باشند.

حافظ که حافظ قرآن نیز بوده، در بیشتر اشعارش از واژه شراب استفاده می‌کند که مفهومی عرفانی دارد و از برخی روحانیون قشری مسلمان نیز شکوه‌هایی دارد که بیانگر دیدگاه‌های مخالف وی با بعضی از گفتارها و رفتارهای آنان می‌باشد.

ایرانیان برای همه شاعران خود احترام خاصی قائل هستند؛ اما در بین آنها، حافظ، سعدی، فردوسی، عطار و جلال‌الدین رومی جایگاه ویژه‌ای دارند. بسیاری از شاعران ایرانی افکار و آثار افلاطون را مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌اند، به خصوص مولوی چون که به رم و یونان سفر کرده و در آنجا اقامت کرده زبان یونانی را می‌دانسته است. هم‌اکنون قبر این شاعر ایرانی در قونیه ترکیه می‌باشد.

در ترکیه ادعا می‌کنند که مولوی اصلیت ترک دارد و مدت کمی در ایران زندگی کرده است، در حالی که شواهد حاکی از آن است که این شاعر بزرگ، ایرانی است و اشعار عرفانی بسیاری به زبان فارسی سروده که در آنها عشق را عامل پرواز به سوی ابدیت و خدا قلمداد می‌نماید.

پانویس:

* ارسالی از رایزنی فرهنگی ج.ا.ایران در یونان

** از یونان